



The Basics of the Obligation to Provide Information in the Contractual Relations of Persons in Iranian and English Law

Shahram Ghasemi¹, Seyyed Hekmatullah Askari^{2*}, Massoudreza Ranjbar³

1. PhD Student of Private Law Department, Shiraz branch, Islamic Azad University, Shiraz, Iran.

2. Assistant Professor, Department of Private Law, Shiraz Branch, Islamic Azad University, Shiraz, Iran.

3. Assistant Professor, Department of Private Law, Shiraz Branch, Islamic Azad University, Shiraz, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Article Type: Original Research

Pages: 755-770

Article history:

Received: 22 Oct 2023

Edition: 31 Des 2023

Accepted: 5 Mar 2024

Published online: 15 Sep 2024

Keywords:

Contract of persons, provision of information, common law system, good faith, custom.

Corresponding Author:

Seyyed Hekmatullah Askari

Address:

Iran, Shiraz, Islamic Azad University, Shiraz Branch, Department of Private Law.

Orchid Code:

Tel:

Email:

hekmat_askari@yahoo.com

ABSTRACT

Background and Aim: contractual relations between persons require accurate information and knowledge of the parties to the contract. The purpose of the current research is to examine the basics of the obligation to provide information in the legal system of Iran and England.

Materials and Methods: The method of the current article is comparative and the research tool is a library.

Ethical Considerations: In writing this article, the authors have considered document referencing and trustworthiness.

Findings: Under the obligation to disclose contractual facts in common law, we believe that the theory of obligation to inform in the contractual relations of documented persons has been included according to the judges' opinions in common law and contractual relations in England. Based on some jurisprudential rules in Iran's contract law, such as resorting to legal jurisprudence (maqasadam yaq, mawaqaa lam yaqsad); Prohibition of falsification of transactions and rule of harmless principle and prohibition of abuse of right and documenting the principles of cooperation and good faith in contracts and paying attention to customary-economic procedures governing transactions, we can establish the obligatory bases of obligation to provide information in Iranian law. to introduce

Conclusion: The general rules of contracts in the field of economic and commercial jurisprudence are not enough in terms of creating obligations for the parties, and the two legal systems of Iran and England consider it necessary to provide information based on some bases. In order to improve the legal conditions of individuals' contracts in Iran, we need them to be based on the obligation to provide information, if they are not against the law.

Cite this article as:

Ghasemi Sh, Askari SH, Ranjbar MR. The Basics of the Obligation to Provide Information in the Contractual Relations of Persons in Iranian and English Law. *Economic Jurisprudence Studies*. 2024.



مبانی تعهد به ارائه اطلاعات در روابط قراردادی اشخاص در حقوق ایران و انگلیس

شهرام قاسمی^۱، سید حکمت‌اله عسکری^{۲*}، مسعودرضا رنجبر^۳

۱. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران.

۲. استادیار گروه حقوق خصوصی، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران.

۳. استادیار گروه حقوق خصوصی، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: روابط قراردادی میان اشخاص مستلزم ارائه اطلاعات دقیق و آگاهی طرفین عقد است. هدف پژوهش حاضر نیز بررسی مبانی تعهد به ارائه اطلاعات در نظام حقوقی ایران و انگلیس است.

مواد و روش‌ها: روش مقاله حاضر مقایسه‌ای و ابزار انجام پژوهش نیز کتابخانه‌ای است.

ملاحظات اخلاقی: در نگارش مقاله حاضر، ارجاع‌دهی مستند و امانت‌داری مد نظر نویسندگان بوده است.

یافته‌ها: ذیل تعهد به افشای حقایق قراردادی در کامن‌لا قائل به ورود نظریه الزام به اطلاع‌رسانی در روابط قراردادی اشخاص مستند به آرای قضات در کامن‌لا و روابط قراردادی در انگلیس می‌باشیم. با مبنا قراردادن برخی قواعد فقهی در حقوق قراردادی ایران از قبیل توسل به قاعده فقهی حقوقی (ماقصدکم یقع، ماوقع کم یقصد)؛ منع غرری شدن معاملات و حاکمیت اصل لاضرر و منع سوء استفاده از حق و مستند به اصول تعاون و حسن‌نیت در عقود و توجه به رویه‌های عرفی-اقتصادی حاکم بر معاملات می‌توانیم مبانی تکلیفی تعهد به دادن اطلاعات در حقوق ایران را معرفی نماییم.

نتیجه: قواعد عمومی عقود در عرصه فقه اقتصادی و معاملاتی از حیث ایجاد تکلیف برای متعاملین کافی نبوده و دو نظام حقوقی ایران و انگلیس براساس برخی مبانی ارائه اطلاعات را لازم می‌دانند. برای بهبود شرایط حقوقی قرارداد اشخاص در ایران، نیازمند آن هستیم تا در صورتی که قراردادهای مخالف قانون نباشند، مبتنی بر تعهد ارائه اطلاعات باشند.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۷۷۰-۷۵۵

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۳۰

تاریخ اصلاح: ۱۴۰۲/۱۰/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۱۵

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۶/۲۵

واژگان کلیدی:

قرارداد اشخاص، ارائه اطلاعات، نظام کامن‌لا، حسن‌نیت، عرف.

نویسنده مسئول:

سید حکمت‌اله عسکری

آدرس پستی:

ایران، شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شیراز، گروه حقوق خصوصی.

کد ارکید:

تلفن:

پست الکترونیک:

hekmat_askari@yahoo.com

۱. مقدمه

بالتبع زوال اراده نخواهد بود. بر این اساس، ضرورت بر شناسایی این تعهد ضمنی یا صریح بر مبنای اراده و خواست طرفین در یک رابطه حقوقی، به وجود آمدن و دکتترین تعهد به ارائه اطلاعات مطرح شد. نخستین بار در حقوق فرانسه، توسط نویسندگان حقوق تجارت فرانسه در خصوص الزام به ارائه اطلاعات راجع به تجارت کالا و خدمات، به این نیاز عمومی در سطح جامعه آزاد تجارتي و اقتصادی پاسخ مثبت داده شد (جگلرات، ۱۹۸۳، ۳۵۸). مطابق این نظریه، اول، اطلاع‌رسانی یک ضرورت مفروض برای تولیدکننده متخصص یا فروشنده مطلع از جوانب مختلف کالا و خدمات توزیعی در سطح جامعه می‌باشد. دوم، این موضوع حائز اهمیت است که قرارداد بین دو متخصص منعقد گردیده؟ یا خیر بین یک متخصص و یک غیر متخصص منعقد می‌گردد؟ سوم، عدم تعادل قراردادی طرفین در انعقاد یا اجرای یک قرارداد در نتیجه ضرورت برابری موقعیت مصرف‌کننده غیر متخصص و تولیدکننده و فروشنده متخصص، یک اصل مسلم حقوق شهروندی و اکتسابی است که مبنای توصیفی عدالت معاوضی قرار می‌گیرد. در نهایت تعهد به دادن اطلاعات التزامی است برای افشای موقعیت واقعی و متناسب با هدف خاص خرید کالا و خدمات و برای تحقق قصد و رضایت سالم در برابر هر گونه نقص و عیبی تا کمیت و کیفیت کالا و خدمات را تضمین نماید. البته با در نظر گرفتن این موارد، تفاوت‌هایی دیده می‌شود و سیستم حقوق نوشته و کامن‌لا وجود دارد که در مبحث آتی به تفصیل تشریح خواهیم کرد. بنابراین پرسش اصلی تحقیق این است که مبنای ارائه اطلاعات در روابط قراردادی اشخاص چیست؟

نظریه الزام به ارائه اطلاعات بر مبنای ضرورت بهره‌مندی وجودی تعادل در اطلاعات و دانش طرفین قرارداد، شکل گرفت تا حقوق دانان به عنوان حکیمان یک جامعه بر حمایت از موقعیت طرف ضعیف‌تر در برابر طرف قوی‌تر، بیش از پیش بر تحقق عدالت اجتماعی و توزیعی در روابط قراردادی مهر تأیید بنهند. چه اینکه در عرصه تحقق یک رابطه قراردادی، نایست ضعیف‌تر بودن سن، جنس و روحیه یک طرف که در نتیجه بهره علمی یا دانش مرتبط با موضوع قرارداد به وجود می‌آید، باعث شود تا طرف قوی‌تر به طور نامشروع بهره‌مند گردد (مارتین، ۲۰۰۴، ۱۵۷). علاوه بر این، در سالیان قبل از طرح این نظریه این بحث توسط نویسندگان مطرح بود که در صورت وقوع عدم هشداردهی یا اطلاع‌رسانی کافی توسط هریک از طرفین قرارداد، اینکه اشتباه محقق می‌گردد یا خیر؟ و یا اینکه رضایت از حیث عنصر آگاهی یا درک شخص دچار اشکال شده است یا خیر؟ به هر حال پاسخ مثبت بود؛ ولی در فرض وقوع اشتباه یا تقلب با توسل به چه ضمانت اجرای مبنایی، مدعی عیوب اراده قادر به اثبات ادعا باشد؟ در نتیجه با توجه به اینکه اثبات اشتباه یا حتی تقلب در خصوص کیفیت رضایت مشتبه یا مغبون مرتبط است و تا حدودی با میزان و نوع رفتار طرف دیگر و نفوذی که بر او دارد بستگی دارد. لذا این موضوع باعث می‌شود تا نسبت به افزایش سکوت متقلبان یا به طور کلی وقوع عیب و نقص در تراضی طرفین، این سؤال مطرح گردد که آیا طرفین ملتزم به اطلاع‌رسانی در برابر یکدیگر می‌باشند یا خیر؟ زیرا اگر طرفین با در اختیار داشتن اطلاعات کامل از حقایق معاملاتی وارد معامله گردند، قطعاً مجالی برای عرض اندام عیوب اراده و

قانون‌گذار در انگلیس به تبعیت از قانون کامن‌لا، موارد مهمی در ارتباط با ارائه اطلاعات در روابط قراردادی اشخاص هم از حیث قانونی و هم از حیث حسن‌نیت و اخلاقی در نظر گرفته است و از این جهت آگاهی طرفین از مفاد قرارداد ابعاد پیشرفته‌ای دارد. اما در قانون داخلی ایران، باید گفت که تعهد به اطلاع‌رسانی به دلیل اینکه به قاعده ماثوره فقهی؛ ماوقع لم یقصد و ما قصد لم یقع و هر آنچه که متبایناً بر قصد انشا باشد از اجزای عمده و اساس عقود و قراردادها تلقی می‌گردد. لذا باید این‌گونه تعهد را داخل در عناصر عمومی عقود و قراردادها بدانیم. اقانون‌گذار در ایران در این زمینه به صراحت از ارائه اطلاعات برای آگاهی متعاملین سخنی به میان نیاورده است، بنابراین لازمه توجه به این امر، اصلاح مواد ۱۰ و ۱۹۰ قانون مدنی است. ماده ۱۰ بدین صورت اصلاح شود: کلیه قراردادهای منعقد شده اشخاص در صورتی که مخالف قانون نباشد، می‌بایست مبتنی بر تعهد به ارائه اطلاعات جامع و مانع عیوب اراده مخل به تراضی باشد. برای صحت انعقاد و اجرای آثار هر معامله، شرایط ذیل در نظر گرفته شود: الف: ارائه اطلاعات کامل و جامع راجع به رضایت طرفین از انجام معامله؛ ب: ارائه اطلاعات جامع و کامل راجع به قابلیت انطباق کالا و خدمات با هدف خاص طرفین؛ ج: ارائه اطلاعات جامع و کامل راجع به معلوم و معین شدن موضوع معامله؛ د: ارائه اطلاعات جامع و کامل راجع به مالکیت عین و منافع موضوع معامله.

۵. بحث

۵-۱. مفهوم تعهد به ارائه اطلاعات

از جهت ضرورت و نوآوری در پژوهش حاضر باید گفت که هرچند برخی از محققان و اهالی حقوق به بحث ارائه اطلاعات در نظام‌های حقوقی کشورهای مختلف پرداخته‌اند؛ اما این تحقیقات وارد حوزه نقش ضرورت ارائه اطلاعات و بایدهای آن در روابط قراردادی میان اشخاص نشده است. از این جهت تحقیق حاضر ضمن مهم دانستن ارائه اطلاعات در روابط افراد، نگرش صریح، ضمنی و یا حتی عدم صراحت قوانین داخلی ایران در ارائه اطلاعات در روابط قراردادی میان افراد را به بحث گذاشته است. هم‌چنان‌که اگر این موارد در فقه وجود دارند، نیازمند ورود به عرصه قانون و توجه به داشتن اطلاعات از روابط قراردادی برای جلوگیری از ضرر و زیان است. این رویه در قانون انگلیس نیز به صورت بررسی مواد قانونی و تطابق با وضعیت ایران جهت پرداختن به اهمیت ارائه اطلاعات مطرح شده است. از این جهت پژوهش حاضر مستقل بوده و تاکنون پژوهشی در این زمینه انجام نشده است.

۲. مواد و روش‌ها

روش مورد استفاده در پژوهش حاضر توصیفی-تحلیلی و ابزار انجام پژوهش کتابخانه‌ای و مراجعه به متون و منابع اسنادی است.

۳. ملاحظات اخلاقی

در نگارش مقاله حاضر، اصول و قواعد اخلاقی از جمله ارجاع‌دهی، استفاده دقیق و علمی از منابع در دستور کار قرار گرفته است.

۴. یافته‌ها

اطلاعات، به معنای آن است که هر آنچه طرفین نیاز و احتیاج دارند تا در یک رابطه حقوقی اعم از قراردادی [از قبیل بیع کالا و خدمات] در خصوص موضوع یا شرایط مورد توافق خود به اطلاعات لازم برای انعقاد یا اجرای قرارداد نائل گردند و یا غیر قراردادی، تکلیف به بیان در برابر یکدیگر داشته و ملزم به ارائه اطلاعات می‌باشند.

۵-۲. مبانی حقوقی تعهد به ارائه اطلاعات

پرداختن به مبانی حقوقی ارائه اطلاعات در دو نظام حقوقی ایران و انگلستان، نشانگر توجه مقنن به بحث آگاهی از قراردادها از سوی اشخاص و داشتن اطلاعات و آگاهی لازم در این زمینه است که به اهم این مبانی پرداخته خواهد شد.

۵-۲-۱. خواست و اراده طرفین قرارداد

طبق نص صریح قانون مدنی در ماده ۱۹۰ که مقنن ایرانی، شرایط صحت عقود را برشمرده است می-توانیم قائل به این قول باشیم که قراردادهای بانکی جهت اخذ تسهیلات برای مشتریان، در صورتیکه قرارداد بدون اطلاع رسانی از طرف بانکها در برابر مشتریان خود منعقد گردد، مستند به ضرورت معلوم و معین نمودن موضوع معامله و نیز مستند به مواد ۲۱۶ {ضرورت رفع ابهام} و ماده ۳۴۶ {ضرورت تعیین مفدار و وصف و جنس مبیع} و یا مستند به موادی از قانون حمایت از مصرف‌کنندگان مصوب ۱۳۸۸ {بند ۲ ماده ۳ و مواد ۵ تا ۷} می‌توانیم بانک را ملزم به ارائه اطلاعات در خصوص اعطای تسهیلات نماییم. در غیر این صورت ضمانت اجرای نقض این تعهد را بطلان قرارداد تلقی نماییم.

تعهد با توجه به دگرگونی‌های امروزی تعریفی است که به دو مسئله توجه نماید؛ اول اینکه تعهد علاوه بر وجهه شخصی وجهه مادی نیز داشته باشد. دوم اینکه ضرورتی ندارد که از زمان ایجاد تعهد دائنی تصور شود. لذا تعهد، وضعیتی حقوقی است که به موجب آن، شخص معینی به انتقال حق عینی یا انجام عمل یا خودداری از عملی مکلف می‌گردد (احمد السنهوری، ۱۳۹۰، ۳۱). بر همین اساس و با توجه به نظریه مورد بحث در این پژوهش این نظریه قابل طرح است که تعهد عبارت است از: «التزام ارادی یا قانونی اشخاص، در ایجاد و اجرای یک تکلیف حقوقی». این بازتعریف از تعهد، به‌عنوان دگرگونی در نظریات شخصی و مادی در تعهد، موجب می‌شود تا نظریه تعهد به ارائه اطلاعات و آگاه‌سازی در روابط قراردادی و حتی غیر قراردادی را بهتر توجیه نماییم. تعهد به ارائه اطلاعات یا تکلیف به اطلاع‌رسانی و آگاه‌سازی در روابط قراردادی و غیر قراردادی نیز که مفهومی مرتبط از تعهدات است، به معنای زیر است: «الزام به بیان حقایق موثر در ایجاد و انعقاد و اجرای آثار یک رابطه قراردادی».

برخی دیگر از حقوقدانان چنین بیان می‌کنند که التزامات، برگرفته از تراضی هستند و این تراضی از عناصر عمومی عقود می‌باشد. مضاف بر اینکه، عقود بدون التزامات اعتباری ندارند. حال این سوال مطرح است که تعهدات، از اجزای وجودی عقودند یا از شروط مترتب بر آثار عقود؟ دیدگاه‌ها متفاوت است و به تبعیت از اکثریت فقهای امامیه، معتقدند که التزام عاقد به مضمون عقد، داخل در شروط صحت عقودند و نه از اجزای عناصری عقود (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۰، ۱۹۴). به هر صورت، تعهد به ارائه

در حقوق فرانسه سبب شد تا با ورود بر قبول رویه قضایی قضات فرانسوی کم‌کم موجب ورود و قبول این نظریه توسط مقنن فرانسوی بشود (سالمون، ۲۰۱۱، ۲۸).

در حقوق قراردادی آلمان بر اساس نظریه حاکمیت اراده باطنی مبتنی بر ماده ۱۰۵ قانون مدنی این کشور، تعهد به ارائه اطلاعات را بیشتر حول محور نظریه معقول و متعارف بودن رفتارهای اشخاص قراردادی توسعه و مفروض نموده است. به گونه‌ای که قضات در این کشور بیشتر به دنبال کشف اراده باطنی افراد در زمان انعقاد و اجرای قراردادها هستند تا بلکه آنکه نقض تعهد صریح یا ضمنی نموده و بر اثر عدم ارائه اطلاعات به صورت فعل یا ترک فعل رفتار نموده بایستی مکلف به جبران غرامات وارده به طرف مقابل گردد. این استقبال عمومی به پذیرش چنین نظریاتی وفق بند ۲ ماده ۱۰۵ قانون مدنی آلمان «...اعلام اراده‌ای که در حالت ناآگاهی یا اختلال روانی موقت صورت گرفته باشد، باطل است»، توسعه یافته و بلکه حقوق دانان این کشور با تبعیت از اصل کشف اراده باطنی منعقدین قرارداد، بهتر از سایر کشورها همچون فرانسه و انگلیس به آن پرداخته‌اند. به عبارتی از نظر حقوق قراردادی در حقوق این کشور ضرورت احراز اراده باطنی ذیل عناوین مبتنی مواد مختلفه قانون مدنی امکان پذیر است (هویستین، ۲۰۲۰، ۱۲۲). در سیستم حقوقی ایالات متحده، نظریاتی همچون منع شروط غیر منصفانه یا منع شرط نامعقول باعث شده تا طرفین یک رابطه حقوقی از یک موازنه نسبتاً عادلانه ارادی بهره‌مند هستند. به عنوان مثال ضوابط حاکم در قانون تجارت

بنابراین نظریه عوض، تعهدات الزام‌آور نیستند؛ مگر اینکه نفعی از طرف متعهدله به متعهد برسد یا ضرری به او وارد شود. همچنین در قراردادهایی که دوجانبه هستند عوض تعهد، متقابل است و در قراردادهای تعهد یک‌جانبه انجام فعلی است که از طرف متعهد مشخص شده است. لذا این معاوضات است که لازم-الاجرا بوده و عوض، ثمن تعهد متعهد به‌شمار می‌رود، نه تعهدات رایگان. در نهایت عوضی که در گذشته مورد معامله قرار گرفته است، عوض واقعی نیست؛ یعنی اینکه اگر یک طرف قراردادی قبل از انعقاد قرارداد تعهدی در برابر طرف خود داشته است، نمی‌تواند آن تعهد را عوض قرارداد جدید قرار دهد؛ بلکه عوض باید همواره از طرف متعهدله در یک رابطه قراردادی ایفا شود (جگلر، ۱۹۸۳: ۱۰۴).

برخی از حقوقدانان بر این باور هستند که اگر عدم اطلاع رسانی موجب افزایش تقلب در قرارداد یا باعث یک اشتباه ذاتی باشد. لذا از نظر اخلاقی مطلوب است که نابرابری طرفین از بین برود. مطلوب‌تر اینکه این تعهد توسط قانون عمومی یا قرارداد الزامی گردد؛ وگرنه هیچ‌کس ملزم به ارائه اطلاعات به هم پیمان خود نخواهد بود (نورمند، ۱۹۹۷، ۳۳۴). بدین ترتیب بایستی اطلاعات چه اختیاری چه اجباری در نظر گرفته شود، بایستی کافی و صحیح باشند؛ به این علت که ممکن است اطلاعات ارائه شده کامل باشند و لیکن از حیث انطباق بر موضوع رضایت ناصواب و ناصحیح باشند. به عنوان مثال تبلیغات برای فروش یک منزل نزدیک پارک صدساله و زیبا و اطلاع‌رسانی کامل در این خصوص، در بر گیرنده این نکته نیست که پارک خصوصی است و امکان ورود در آن وجود ندارد. نهایتاً اینکه با توسعه و بسط چنین دیدگاه‌هایی

متحدالشکل مبین نوعی از این تعهد در روابط قراردادی اشخاص است (اوور بارگیل، ۲۰۱۷، ۴۳).

در حقوق قراردادی انگلستان، اصل بر عدم افشای اطلاعات در روابط قراردادی می‌باشد. به عبارت دیگر دادرس در این نظام حقوقی به دنبال تفسیر قرارداد بر اساس الزام طرفین به آگاهی‌سازی یکدیگر یا برقراری عدالت معاوضی نمی‌باشد (منهام و کارگریج، ۲۰۱۰، ۳۵۵). به زعم پولاک حقوقدان برجسته انگلیسی، قراردادهای ممههور به مهر رسمی که از زمان ادوارد اول مرسوم گردید بیانگر اصل تقدیس قراردادها است و این موضوع هم اکنون طبق قانون املاک ۱۹۲۵ کلیه قراردادهای راجع به خرید و فروش املاک و اراضی باید مکتوب و همراه با مهر رسمی باشد و مضاف بر مهر و مکتوب بودن قرارداد، بایستی عنصر تسلیم یا وضع ید خریدار هم طبق قرارداد محقق گردد. بعنوان مثال یک قرارداد بیمه دریایی بایستی وفق ماده ۵۲ قانون بیمه دریایی ۱۹۰۶ مکتوب تنظیم گردد تا رسمیت داشته باشد و یا اینکه طبق ماده ۷۵ قانون شرکت‌های عمومی، شرط انتقال مالکیت سهام شرکت، کتبی بودن قرارداد است و همین‌طور طبق ماده ۳ قانون بروات ۱۸۸۲ بروات و اسناد اذنی بایستی کتبی باشند. لذا این شرط بنیادین و رسمیت بخشی به یک قرارداد است (القره الداغی، ۱۴۲۳، ۸۰؛ آخوندی، ۱۳۹۰، ۵۴). به تبعیت از این اصل تقدیس قراردادی، در یک قرارداد فروش یا بیع کالا، آنچه توافق قراردادی را کامل می‌کند، تعاون ایشان در انتقال عوضین، تعیین ثمن و تسلیم بهای قراردادی است. مهم این است که سند توافق موجود و قرارداد منعقد شده باشد.

۵-۲-۲. قاعده تعادل قراردادی

با رویکرد جدید مقنن انگلیسی و حتی قضات این کشور اصل آزادی اراده و حاکمیت اراده طرفین دستخوش تغییرات و تحولات اساسی شده که منجر به بروز نظریه تعادل قراردادی شده است. سابقاً حقوق دانانی همچون چیتی معتقد بودند که سخن گفتن از اصل حاکمیت اراده و آزادی قراردادی با وجود قراردادهای استاندارد یا متحدالشکل یک توهم محض است. چراکه افراد در این قبیل قراردادها حق تغییر شرایط و بندهای این قراردادها را ندارند و باید از آنها تبعیت کرده و به رسمیت بشناسند و حاکمیت اراده آن‌چنان که در حقوق فرانسه مرسوم است در قوانین حمل‌ونقل دریایی کالا ۱۹۲۴ و قانون حمل و نقل هوایی ۱۹۳۲ و قانون حمل‌ونقل ۱۹۴۷ و بطور کلی در بسیاری از قراردادهای تجاری-اقتصادی سخن گفتن از آزادی اراده پذیرفتنی نیست. به‌عنوان مثال با خرید بلیط قطار یا ایرلاین‌ها، مسافران حق مذاکره یا تفسیر شرایط بلیط را با هیئت مدیره شرکت مسافربری نخواهند داشت (جوژپ، ۲۰۲۱، ۳۳۴). به‌زعم برخی نویسندگان در حقوق انگلیس با ملاحظه برخی قوانین خاص می‌توانیم این نظریه را به وضوح ملاحظه نماییم. به‌عنوان مثال قانون اعتبار مصرف-کننده مصوب ۱۹۷۴ میلادی در انگلستان؛ اعتبار را به معنای وام نقدی و یا هر نوع تسهیلات مالی تلقی نموده است. لذا در قراردادهای بانکی برای دریافت تسهیلات که از نوع قراردادهای اعتبار مصرف تلقی می‌شوند، چنین قراردادهایی الزام‌آور نخواهند بود. چراکه اولاً منصفانه نیستند و ثانیاً به شیوه اراده آزاد پذیرفته نشده‌اند و گیرنده تسهیلات بدون اینکه حق اصلاح یا تعدیل قرارداد داشته باشد چاره‌ای جز پذیرش آن نخواهد داشت؛ در غیر این صورت

علیه سلف ریج در ۱۹۱۵ عوض به معنای فعل یا ترک فعل یا تعهدی از طرف متعهدله در برابر متعهد قراردادی تفسیر شد که لازمه وجودی این عوض نه در زمان انعقاد قرارداد که می‌تواند تعهدی باشد که در مرور زمان به عهده متعهد آن قرار گیرد. بدین اساس تعهدات الزام آور به تعهداتی گفته می‌شوند که در قبال هر تعهد یک عوض وجود داشته باشد» (میشل و فیفوت، ۲۰۱۷، ۱۰۳). به‌عنوان مثال قرارداد جعاله در این کشور یک تعهدی است که باید بعد از انجام عمل مورد تعهد، به علت وجود نفع متقابل سبب معوض شدن و یا تعهد به نتیجه گردیدن عمل مورد درخواست شود و یا حمل و نقل کالا که تعهد متصدی حمل از مصادیق تعهد به نتیجه بوده و نظریه عوض به‌خوبی در این قبیل قراردادها دیده می‌شود که در این شرایط، کلیه عقود معوض واجد تعهد به نتیجه بوده و لازم‌الاجرا می‌باشند (خدادادی، ۱۳۹۹، ۵۷۰).

۵-۲-۴. نظریه اعتماد متعارف و تعهد به وسیله

تعهد به ارائه اطلاعات بر اساس نظریه اعتماد متعارف، بتوان یک تعهد به وسیله تلقی شده است. این نظریه گویای این واقعیت است که چنانچه هر یک از طرفین رفتاری نماید که بر آن اساس موجب شود که برای طرف مقابل اعتماد متعارف ایجاد شود و بر مبنای این اعتماد عمل نماید و هر گونه ضرری در راستای این اعتماد متوجه طرف قراردادی گردد، طرف مقابل ضامن خسارت وارده خواهد بود. حقوق دانان انگلیسی نظریه اعتماد متعارف را ذیل قاعده معروف استاپل مطرح می‌نمایند؛ چه اینکه استاپل را مقصود متعهد به اجرای تعهد در مقابل رفتار متعهدله تعریف نموده و معتقدند در برابر تعهدی که متعهد انجام می‌دهد و

اعتباری دریافت نخواهد کرد. ولی با توجه به قوانین بعدی اعتبار مصرف از جمله قانون ۲۰۱۰ و ۲۰۱۲ حدود سی مقرر قانونی در راستای حمایت از مشتریان و مصرف کنندگان تسهیلات وضع شده است که بانکها را ملزم به اطلاع‌رسانی نموده است» (اعلم الهدی، ۱۳۹۸، ۳۹۰). این نگرش از سوی قانون به منزله نوعی تمایل به اطلاع‌رسانی و آگاهی- بخشی به طرفین قرارداد است تا بتوانند در روابط قراردادی خود از آگاهی بیشتری برخوردار بوده و متضمن ضرر نشوند.

۵-۲-۳. نظریه عوض و تعهد به نتیجه

این نظریه که در قرن هفدهم میلادی در جواب به اینکه چرا یک قرارداد الزام آور باشد به وسیله قضات انگلیسی مطرح و توسط نویسندگان حقوق قراردادی توسعه یافت. در حقیقت نوع قراردادها بسته به اینکه چه نوع ماهیتی دارند و با مقایسه در حقوق ایران، نوع قرارداد بر اساس مقتضای ذات یا اطلاق، بیان- کننده نوع تعهد به نتیجه یا به وسیله است. در کامن- لا چنانکه ملاحظه می‌گردد در بسیاری از عقود بسته به اینکه یک طرفه یا دوطرفه باشد، نوع تعهد به ارائه اطلاعات را می‌توانیم بر مبنای نظریه عوض، تعهدی به نتیجه معرفی نماییم. در رأی بر اساس ریشه لاتینی نظریه که «تعهد خالی از عوض موجب حق دعوا نخواهد بود»، مورد استناد قرار گرفته است. اگرچه بعدها با تغییراتی که بر آن وارد شد، در رأی قاضی لرد مانسفیلد در دعوی ران علیه هوگ در سال ۱۷۷۸ میلادی، عوض را به‌عنوان یک ادله اثباتی قراردادی، تنها وسیله قصد جدی طرفین برای التزام به مفاد قرارداد تلقی نمود تا اینکه در نهایت به‌موجب رأی قاضی دونادین در دعوی شرکت دانلوپ تایر

اراده قانونی قانون‌گذار بوده که شرایط بیان اطلاعات دقیق و مورد نیاز در هر رابطه قراردادی و حتی غیرقراردادی را فراهم می‌نماید. در این نظر الزام به اطلاع‌رسانی بعنوان یک تعهد عمومی به ارائه اطلاعات بی‌طرفانه به طرف دیگر به جهت برخورداری از امتیاز موقعیت برابر به رسمیت شناخته می‌شود. هدف از این ماهیت بر تکلیف قانونی داشتن؛ در واقع شناسایی تعهدات مدون قانونی برای عامه مردم و سعی در جبران موقعیت پایین گروه‌های خاصی از طرفین قراردادی می‌باشد. به‌عنوان مثال طبق بند یک ماده ۲ قانون مسئولیت متصرفین ساختمان مصوب ۱۹۵۷ متصرف ساختمان مکلف شده تا همه-گونه مراقبت‌های لازمه را در خصوص مهمانان و مدعوین به عمل آورد و یکی از این موضوعات مرتبط با تکلیف به مراقبت، مطلع نمودن و بیان هشدارهای مراقبتی به مهمانان و مدعوین ساختمان می‌باشد. این تکلیف به اطلاع‌رسانی قانونی است که به مالکان ساختمان تحمیل شده است (نکوئی، ۱۳۹۰، ۱۳۶). چراکه در عناوینی همچون تکلیف به اطلاع‌رسانی-های الزامی تولید و توزیع‌کنندگان کالاها و خدمات مورد نیاز در عرصه اجتماع، به‌عنوان حمایت از مصرف‌کنندگان، مسئولیت تولیدکنندگان لوازم دارویی و بهداشتی، مسئولیت تبلیغات خلاف واقع در عرضه محصولات و خدمات در جراید و وسایل ارتباطات جمعی و یا سکوت متقلبانه یا انتشار اطلاعات غلط و غیر واقعی به مشتریان قراردادی و حتی غیرقراردادی این قبیل کالا و خدمات که بر اساس اطلاعات غلط یا ناصوابی که فروشنده عرضه-کننده به خریدار می‌دهد و این اطلاع‌رسانی‌ها در چرخه توزیع تا مصرف قرار می‌گیرد.

متعهدله بر این اساس عمل می‌نماید، دیگر متعهد حق عدول از تعهد خود را ندارد. استاپل یا ناشی از بی‌احتیاطی مبتنی بر وعده یا مبتنی بر رفتار است و نظریه اعتماد متعارف در مجموعه استاپل ناشی از رفتار گنجانده می‌شود (همان، ۵۶۵). آنچه طرفین یک رابطه را ملزم به پرهیز از تقلب یا عدم وقوع یک نمایش نادرست یا غیر دقیق از واقعیت ممنوع می-نماید، ممنوعیت تلقی نادرست یا سوء تفاهم طرفین قرارداد است که در چنین شرایطی مجاز خواهند بود تا ادعای معیوب بودن قرارداد بنمایند. چراکه اگر ایشان واقعیات را درست می‌دانستند، هرگز وارد انعقاد این قرارداد نمی‌شدند (شعاریان، ۱۳۹۰، ۱۸). به زعم این دیدگاه‌ها، چنانچه یک شخصی با دیگری بر سر خرید یک گاراژ کنار اتوبان به توافق برسند، ولیکن شخص خریدار اطلاعی ندارد که به دلیل حجم بالای ترافیکی قرار است گذرگاه فرعی در کنار اتوبان مسیر گاراژ را مسدود نماید. لذا در این فرض شخص خریدار نمی‌تواند به استناد اشتباه از اجرای قرارداد شانه خالی کند؛ بلکه صرفاً می‌تواند با داشتن حق فسخ به علت تحقق مصداقی رفتار خلاف واقع یا گمراه‌کننده به سبب عدم اطلاع‌رسانی کافی راجع به این موضوع قرارداد را فسخ نماید. چراکه فروشنده از این موضوع اطلاع کامل داشته است و بایستی طبق قانون طرف قراردادی خود را مطلع می‌نموده است (همان، ۱۹).

در قوانین از جمله مقررات راجع به اجاره و قانون قراردادهای نامتعادل مصوب ۱۹۷۷ مقررات مربوط به شروط نامتعادل- غیر منصفانه، قراردادهای مصرف‌کننده مصوب ۱۹۹۴ قانون اعتبار مصرف‌کننده مصوب ۱۹۷۴ بدین جهت این وضع و

جمعی باشد، علاوه بر مجازات نقدی تا دو برابر ضرر و زیان مالی وارده به جبران خسارت نیز ملزم خواهد شد. در ماده ۶۸ قانون نظام صنفی مصوب ۱۳۵۹ نیز در خصوص تبلیغات خلاف واقع به جهت جلب مشتری و ورود ضرر به او، مستوجب مجازات نقدی و جبران خسارت وارده به مشتری خواهد بود. در نهایت وفق ماده ۵ قانون مربوط به مقررات امور پزشکی و دارویی مصوب ۱۳۳۴ در خصوص بیان و اعلام یا انتشار هر آنچه موجب گمراهی بیماران گردد، وارد کننده ضرر و زیان مالی ملزم به جبران خسارات ناشی از لطمات وارده به سلامت بیمار و مجازات کیفری مرتبط در قانون مجازات اسلامی محکوم خواهد گردید.

در نهایت ملاحظه می‌شود که می‌توانیم تعهد به ارائه اطلاعات را به‌عنوان یک تکلیف منبعث از اراده قانون-گذار شناسایی نماییم و هم‌عقیده با نظرات برخی از نویسندگان حقوق انگلیس معتقد به شناسایی الزام به ارائه اطلاعات به‌عنوان یک تکلیف و الزام قانونی و برگرفته از اراده قانون‌گذار باشیم. اصولاً حمایت قانون‌گذار و وضع قانون یا مواد قانونی مرتبط به‌عنوان یک ضمانت اجرای الزام‌آور در روابط حقوقی اشخاص مبنای حقوقی این نهاد تعهد به آگاه‌سازی قرار گیرد و به هیچ‌عنوان نمی‌توانیم تعهد و تکلیفی که منبعث از یک رابطه حقوقی قراردادی است را بدون در نظر گرفتن اراده و خواست طرفین، صرفاً برگرفته از اراده قانون‌گذار و مقنن تفسیر و توجیه نماییم و بلکه هم-عقیده با نظریه‌پردازان مبنایی این نظریه معتقد به ماهیت حقوقی قراردادی این تکلیف و الزام به اطلاع-رسانی و تعهد منعقدہ بین طرفین یک قرارداد باشیم.

۵-۲-۵. حسن نیت

اقدام به تحصیل و استفاده بر این مبانی، با عنایت به اینکه منجر به نقض قانون یا قواعد مصوب در این خصوص گردیده در نتیجه وابسته به مورد، مسئولیت مدنی نوعی یا محض یا مبتنی بر اثبات تقصیر علیه عامل ورود زیان بروز خواهد نمود (نوولس، ۲۰۱۸، ۴۵). در برخی از قوانین موضوعه ایران نیز ملاحظه می‌نماییم که شرط عدم مسئولیت در مورد خسارات جانی وارده به اشخاص که ناشی از عیب یا عیوب محصولات باشد، باطل تلقی می‌گردد. چراکه علاوه بر اینکه چنین شروطی مشمول بند ۳ ماده ۲۳۲ قانون مدنی است و به‌عنوان یک شرط نامشروع باطل و خلاف قانون می‌باشد، به صراحت برخی قوانین خاص از جمله ماده ۱۱۸ قانون دریایی ایران، شرط عدم مسوولیت در این موارد شرطی باطل است. در مقررات مربوط به امور دارویی و مواد خوراکی و بهداشتی مصوب ۱۳۴۶ و اصلاحات بعدی، نیز به صراحت (بندهای ۴ و ۵) ماده ۱۴ و ماده ۱۸ چنانچه فروشندگان و عرضه‌کنندگان مواد دارویی برخلاف ضوابط و استانداردهای بهداشتی مبادرت به خرید و فروش اقلام دارویی نمایند و یا اینکه از بیان جزئیات مرتبط با نحوه مصارف و عوارض دارویی امتناع نمایند. از این جهت خسارات و لطمات جانی به سلامت اشخاص وارد شود، علاوه بر اینکه مسئولیت مدنی قراردادی مالی به‌دنبال خواهد داشت مسئول به پرداخت جریمه و مجازات‌های کیفری نیز خواهند بود.

مسئولیت ناشی از عدم ارائه اطلاعات در ماده ۷ قانون حمایت از حقوق مصرف‌کننده، راجع به ارائه اطلاعات نادرست که موجب فریب یا اشتباه مصرف‌کننده به هر وسیله‌ای از جمله انتشار در جرائد و رسانه‌های

برای اصل حسن‌نیت در حقوق ایران به‌دست آورد (شهیدی، ۱۳۸۲، ۴۳). در واقع نقش علم و جهل در اطلاع‌رسانی و آگاه‌سازی به‌عنوان یک تکلیف اخلاقی و در نتیجه وقوع تعهد حقوقی به همکاری و تعاون در رابطه قراردادی، معیاری جز ضرورت رعایت حسن‌نیت در اعلام و بیان اراده متقابل طرفین ندارد و بر این اساس می‌توانیم قائل به این قول باشیم که لزوم مطابقت اراده‌های اعلامی در اثر ایجاب و قبول به‌عنوان ارکان عمده تحقق یک قرارداد معتبر، مانع از تحقق عیوب اراده از قبیل اشتباه، غبن و غرر، تدلیس، تقلب، اظهار و توصیف خلاف واقع، سکوت عمدی و فریب‌کارانه می‌گردد (همان، ۱۹۳).

در مواد ۱۱۶۴ و ۱۱۶۵ قانون مدنی مصداق بارز اصل حسن‌نیت است و قانون‌گذار ایران در این مواد و نیز ماده ۱۰۰ قانون امور حسبی به‌طور استثنایی اصل حسن‌نیت را پذیرفته است و در سایر موارد به‌دلیل اینکه در ابواب فقهی حسن‌نیت جایگاهی نداشته است، مقنن ایرانی وارد این مباحث نشده است و علی‌رغم اینکه در تعقیب و ترجمه مواد ۳۰۱ در بحث غصب و یا ماده ۱۰۳۶ قانون مدنی که از ماده ۹۲ قانون سوئیس اقتباس شده به صراحت از اقتباس و استناد به حسن‌نیت توجهی ننموده و حسن‌نیت با سوء نیت متصرف در بحث مسئولیت وی در برابر مالک اعتنائی ننموده است و به مفهوم حسن‌نیت به دلیل گرایش مقنن به فقه توجهی نشده است (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۰، ۷۷). به نظر می‌رسد ضرورت پیروی از نگرش فقهی در قوانین برای نشان دادن اطلاع‌رسانی و آگاهی در قرارداد میان افراد امری ضروری و نیازمند استنباط قوانین از فقه است.

آنچه که یک رابطه حقوقی را مبتنی بر عدالت و اخلاق متوازن می‌سازد، تبعیت از ارزش‌های مبتنی بر تحقق واقعیات و حقایق موجود در ایجاد یک موازنه قراردادی است. نقطه شروع و ورود به یک رابطه قراردادی می‌بایست مبتنی بر الگوها و قواعد بنیادین حقوقی همراه با تبعیت از الگوهای اخلاقی همچون ضرورت رعایت حسن‌نیت و انصاف، تبعیت از قواعد عرفی حقوقی لاضرر، منع سوء استفاده از حق و منع توسل به اعمال و رفتار خدعه‌آمیز یا حتی منع سکوت و کتمان وقایع و حقایق موجود است. تلاش برای ارائه هرچه بیشتر حقایق و وقایع موجود در یک رابطه قراردادی نسبت (قاسمی حامد، ۱۳۸۶، ۱۰۵)، به حوائج و نیازهای موجود موضوع قرارداد محصول حسن‌نیت است. منظور از اخلاق به‌عنوان رکن بنیادین این تأسیس حقوقی، نظریه تعهد به اطلاع‌رسانی، مجموعه باید و نبایدهایی است که افراد یک جامعه به تبعیت از وجدان خویش ملزم به رعایت این بایدها و نبایدها می‌باشند. چراکه الزام به راست‌گویی و رعایت همکاری متقابل بین طرفین یک رابطه حقوقی بر پایه همین اصل عادلانه و ضروری حسن‌نیت می‌باشد.

۵-۲-۱. حسن‌نیت در فقه و حقوق ایران

مطابق قوانین ایران با تکیه بر مواد ۲۲۴ و ۲۲۱ و ۲۲۰ و ۲۲۵ قانون مدنی اصل حسن‌نیت قابل استنباط است. هرچند در حقوق ایران اصلی به نام حسن‌نیت در قراردادها وجود ندارد؛ ولی با قیاس در حقوق خارجی که به صراحت از این اصل نام برده‌اند، مواد اخیر به همین موضوع مرتبط است. بر همین اساس می‌شود با تشخیص معیار عرف و عادت به عنوان معیار تعیین در روابط قراردادی یک جانشین

۵-۲-۵-۲. حسن نیت در کامن لا

مستند به آرای قضایی و قوانین جاری در کامن لا برای مبنا قراردادن تعهد به ارائه اطلاعات می‌توانیم سه ضابطه را به‌عنوان مبنای حسن نیت بیان نماییم.

الف) اصل ضابطه انتظار مصرف‌کننده

بر این مبنا کالای ارائه‌شده در بازار به این علت که ممکن است خصوصیت خطرناک‌پذیر بودن داشته باشد، ضرورت دارد که بر اساس معیار انتظار هر مصرف‌کننده معقول و متعارف در جریان علم واطلاعات کافی قرار گیرد. بدیهی است انتظار هر خریدار و مصرف‌کننده‌ای دریافت کالا و خدماتی است که تا حداقل ممکن از هر گونه خطرانی مصون باشد و مبنای استدلال دادگاه‌های کامن لا دقیقاً بر اساس همین توقعات و انتظارات مصرف‌کنندگان در عدم دریافت خطرات یا عیوب مخفی در کالا و خدمات، تولیدکنندگان یا عرضه‌کنندگان کالا و خدمات را ملزم به اطلاع‌رسانی کامل و صحیح و بالتبع نقض تکلیف منجر به جبران غرامات وارده می‌نمایند (جعفری تبار، ۱۳۸۹، ۱۱۹).

ب) اصل توصیف مبتنی بر حسن نیت

توصیف مطابق با قوانین یا واقعیت به‌عنوان یک ضابطه تعیین‌کننده نقش حسن نیت در روابط قراردادی یک عامل اساسی و بنیادین برای تکلیف و تعهد قراردادی برای طرفین تشریح می‌گردد. به علاوه اینکه طبق قانون استاپل که شاخه‌ای از نهاد توصیف خلاف واقع است، طرفین ملزم به سخن گفتن برای ادای مطالب و واقعیات متعارف می‌باشند (شفیعی علویجه، ۱۳۹۰، ۹۲). در این راستا رفته رفته با انتقادات نویسندگان حقوق قراردادی،

مقنن و قضات انگلیسی عقیده دارند که اصل حاکمیت اراده می‌بایست هماهنگ با تحولات دنیای امروزی متحول گشته و مفاهیم جدیدی در کنار مصلحت‌های نظم عمومی تحت عنوان «حسن نیت، اخلاق و انصاف» مبنای تفسیر قراردادها قرار گیرد. بنا به نظرات و اعتقاد قاضی لرد برامول در رأی مشهورش در سال ۱۸۷۱ میلادی در دعوی بریتیش که بر ضرورت وجود رضا و اصل حاکمیت اراده در قراردادها تأکید داشت، در دعوی هوسهولد در ۱۸۷۹ نیز با همین دیدگاه، قرارداد را به علت فقدان اراده و رضای کافی، حکم به بطلان و لغو قرارداد صادر گردید (آخوندی، ۱۳۹۰، ۳۳).

ج) اصل ضابطه سود - خطر

اعلام عیوب مخفی کالا و خدمات یا خطرناکی محصولات بر مبنای این ضابطه می‌تواند بیانگر ارزش‌گذاری سود و خطرات کالا باشد، به‌نحوی که می‌توانیم سنجش خطرناک بودن و عدم اعلام خطرات به خریدار را از عوامل کتمان خطرات و عیوب موجود در کالا و خدمات باشد. بر مبنای این ضابطه نیز چنانچه کالاهای عرضه‌شده به مصرف‌کنندگان بر اساس معیار خطرناک بودن آن در برابر سودمندی کالا سنجیده شود، نبایستی سودمندی کالا در برابر خطرناک بودن آن کمتر بوده و یا بر اساس اهمیت ارزش‌های اجتماعی این کالا تبعات سوئی داشته باشد و این تبعات نبایستی سودمندی کالا را بی‌ارزش نماید. ضابطه است که سودمندی اجتماعی آن در برابر خطرناک بودن آن بیشتر بوده و قاعدتاً تشخیص معیوب بودن کالا بر مبنای این معیار سنجیده می‌شود (همان، ۱۲۰).

گردد. حتی در مرحله اجرا و تحقق اثر عقود یا قراردادهای، الگوهای تعریف شده در نزد متخصصان یا صاحبان حرف و مشاغل خاص و عام موجود در یک جامعه، می‌تواند نقش تعیین کننده‌ای داشته باشد.

۶. نتیجه

قراردادهای محصول فکر جمعی بشری است و لذا ضرورت دارد تا این توازن هم در مرحله انعقاد و آفرینش تراضی وارد شود و هم در مرحله اجرای آثار قراردادی. این تعهد نه چهره مستمر دارد نه صرفاً در مرحله اجرای قراردادی به عنوان یک تابعی از تعهد به تسلیم است. بنابراین با مذاقه در مباحث فقهی، عدم آگاهی طرفین به مورد معامله یا صفات مورد نیاز برای ورود به مرحله قصد و رضا به دلیل اینکه اطلاعات لازم را برای نیل به قصد و رضا نداشته باشیم به طور قطع و یقین همانند معامله غرری باعث عدم تحقق اطمینان نسبت به عناصر و ارکان عمده و غیر عمده عقود می‌شود. لذا در اینجا است که می‌توانیم قائل به این قول باشیم که در فقه اسلامی عدم آگاه-سازی برای طرفین معامله بر مبنای موضوعات مرتبط با قواعد راجع به لاضرر و غرر، منجر به بطلان و غیرقابل اثر شدن مراعات حاصله خواهد بود. چه اینکه جهل ناشی از تردید یا مردد بودن مورد معامله باشد یا سبب تردید یا مردد شدن قصد و رضای طرفین باشد. از این رو است که معتقد به بطلان قرارداد به لحاظ عدم ارائه اطلاعات کافی یا عدم آگاه-سازی کافی، می‌باشیم. در کامن‌لاز دهه ۹۰ میلادی به بعد با تبعیت از پیمان‌های اتحادیه اروپا و توسل به حقوق بنیادین برابری بشری و شهروندی و با تعدیل نظرات سنتی قراردادی، تحول بنیادی در مفاهیم قراردادی محقق گشت و با اقتباس از قواعد

به اعتقاد رافائل پاول پذیرش حسن نیت می‌تواند محاکم انگلیس را در نیل به نتایج منصفانه و عدالت یاری دهد. محاکم در هر مورد خاص می‌تواند با استمداد از این اصل به تحصیل یافته‌ها و نتایج عادلانه‌ای نائل گردد. چه اینکه پرونده‌های بسیار پیچیده و متنوع در اثر قالب‌های سنتی انگلیسی منتج به عدالت و انصاف نخواهند شد. در رویه قضایی کامن‌لا، واژگان Good faith, Good intentions, Good will به معنای حسن نیت منعکس گردیده که در معنای باور درونی و اعتقاد صادقانه داشتن یا فقدان سوءنیت یا فقدان طرح و نقشه برای تقلب و از این قبیل موارد استفاده می‌شود. لذا به دنبال پذیرش این اصل در دعاوی متعددی، قضات محاکم به تبعیت از دکترین حقوقی به اصل حداکثر حسن نیت یا اصل حسن نیت کامل (مک کندی، ۲۰۱۱، ۲۲۷)، روی آورده‌اند. بررسی رویه قضایی قضات انگلیسی، مستخرج از اصل توسعه قواعد جزئی ذیل این قاعده مبنایی به تکلیف به افشای حقایق اساسی، در رابطه قراردادی پرداخته‌اند که عرف یکی از آنان است.

برخی از حقوق دانان غربی معتقدند که علم حقوق را آن گونه که باید باشد و نه آن گونه که هست تعریف می‌کنند، چراکه بر وضعیت مطلوب و آرمانی حقوق و پایه تبعیت از عقل و منطق، حقوق فطری یا طبیعی و حقوق موضوع یا قابل اجرا از طرف قضات در محاکم تأکید می‌نمایند (صانعی، ۱۳۸۱، ۳۶). عرف به عنوان یکی دیگر از مبنای این تعهد و تکلیف قراردادی چه در مرحله مذاکرات و دوران پیش قراردادی و چه در زمان انعقاد عقد و قرارداد می‌تواند یک عامل و اساس الزام آور برای طرفین یک توافق قراردادی قلمداد

و اصول حقوق اروپایی مندرج در بخش اصول حقوقی قراردادهای [PECL] در مواد ۱:۱۰۳ و ۱:۱۰۴ و مخصوصاً در ماده ۱:۲۰۲، به عنوان یک اصل از اصول کلی حاکم بر حقوق اروپایی تحت عنوان تعهد به همکاری برای حقوق انگلیس لازم‌الاجرا می‌باشد. چراکه در حقیقت حقوق این کشور ذیل قانون اساسی غیر مدون خود به عنوان نوع خاصی از حقوق عرفی موجود، بایستی بر اساس کنوانسیون‌های بین‌المللی، از جمله اصول حقوق اروپایی اظهار نظر گردد. لذا بر اساس نظریاتی همچون نظریه عوض ذیل قاعده استاپل و نظریه اعتماد متعارف یا تعادل قراردادی در کامن‌لا و انصاف و با تفکیک تعهدات اشخاص به نتیجه و وسیله، به توسعه و استخراج اصول جزئی از اصول کلی همچون اصل حسن‌نیت کامل به عنوان مبنای ورود نظریه عمومی تعهد به ارائه اطلاعات در روابط قراردادی اشخاص به جز در عقود که جنبه محرمانگی داشته باشد، گردیده است.

در زمانه کنونی که عصر ارتباطات و مبادله اطلاعات در روابط اقتصادی و معاملاتی است بایستی در قواعد عمومی قراردادی تجدید نظر نموده و قاعده جدیدی را تحت عنوان تعهد به ارائه اطلاعات در روابط قراردادی اشخاص معرفی نماییم. در خاتمه پیشنهاد می‌گردد، مفاهیم حقوق قراردادی ایران مندرج در مواد ۱۰ و ۱۹۰ قانون مدنی بشرح ذیل اصلاح گردد.

ماده ۱۰: کلیه قراردادهای منعقد شده اشخاص در صورتی که مخالف قانون نباشد، می‌بایست مبتنی بر تعهد به ارائه اطلاعات جامع و مانع عیوب اراده مخل به تراضی باشد.

تبصره ۱: منظور از این تعهد، بیان کلیه حقایق مؤثر در انعقاد و اجرای قراردادهای است.

تبصره ۲: ذی‌نفع در قراردادهای یک‌جانبه، متعهدله و در قراردادهای دوجانبه متقابلاً به عهده طرفین است.

تبصره ۳: نقص یا عدم ارائه اطلاعات مستوجب مسئولیت قراردادی مبتنی بر تقصیر است. اثبات عدم تقصیر به عهده متعهد است.

ماده ۱۹۰ قانون مدنی: برای صحت انعقاد و اجرای آثار هر معامله، شرایط ذیل اساسی است.

۱. ارائه اطلاعات کامل و جامع راجع به رضایت طرفین از انجام معامله؛

۲. ارائه اطلاعات جامع و کامل راجع به قابلیت انطباق کالا و خدمات با هدف خاص طرفین؛

۳. ارائه اطلاعات جامع و کامل راجع به معلوم و معین گردیدن موضوع معامله؛

۴. ارائه اطلاعات جامع و کامل راجع به مالکیت عین و منافع موضوع معامله.

۸. سهم نویسندگان

نویسندگان مقاله به صورت برابر و مشترک مقاله را به رشته تحریر درآورده‌اند.

۹. تضاد منافع

در این مقاله تضاد منافی وجود ندارد.

منابع

- شیداییان، مهدی؛ عبدی، صادق، حقوق قراردادهای انگلیس، قم، انتشارات مدین قم، ۱۳۷۵.
- صانعی، پرویز، حقوق و اجتماع؛ رابطه حقوق با عوامل اجتماعی و روانی، تهران، انتشارات طرح نو، ۱۳۸۱.
- قاسمی حامد، عباس، «حسن نیت در قرارداد، مبنای تعهد به درست کاری و تعهد به همکاری در حقوق فرانسه»، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۴۶، ۱۳۸۶.
- نکویی، محمد، شرط عدم مسئولیت، تهران، نشر میزان، ۱۳۹۰.

عربی

- احمدالسنهوری، عبدالرزاق، الوسيط فی شرح القانون المدني، ج اول، ترجمه سیمهدی دادمرزی و محمدحسین دانش کیا، قم، انتشارات دانشگاه قم، ۱۳۹۰.
- القره داغی، علی محیی الدین علی، مبداء الرضاء فی العقود، دراسه مقارنه فی الفقه الاسلامی و الانجلیزی و العراقی، بیروت، دارالبشائر الاسلامیه، الطبعة الثانيه، ۱۴۲۳.

انگلیسی

- Joseph, Chitty, Hugh Beale, Chitty On Contract, Sweet & Maxwell publisher, Vol,2 {section 1: the regulation of consumer credit & loans and intrest} . ۲۰۲۱
- De Juglart Michel, Traite de droit commercial, les societe, 2e partie, Actualites et Informations ,Revue

- اعلم الهدی، سیدحسین؛ سیداحمدی سجادی، سیدعلی؛ مظلومی، سجاده، «تعهد به ارائه اطلاعات و متعادل سازی نابرابری در برابر گیرنده تسهیلات بانکی در قراردادهای اعتبار با مطالعه تطبیقی»، مطالعات حقوق تطبیقی، دوره ۱۰، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۸.
- آخوندی، روح الله، اشتباه در موضوع قرارداد با مطالع تطبیقی در حقوق فرانسه و انگلستان، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق، ۱۳۹۰.
- جعفری تبار، حسن، مسئولیت مدنی کالاها، تهران، نشر دادگستر، ۱۳۸۹.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، فلسفه حقوق مدنی، تهران: انتشارات کتابخانه گنج دانش، ۱۳۹۰.
- خدادادی، حیدر؛ مظاهری کوهستانی رسول، «تحلیل تطبیقی نحوه تأثیر عوض و اعتماد متعارف در نوع تعهدات قراردادی در حقوق ایران و انگلیس»، مجله مطالعات تطبیقی، دوره ۱۱، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۹.
- شعاریان، ابراهیم، «تعهد همکاری متعهدله در اجرای قرارداد»، مجله علمی- پژوهشی حقوق خصوصی، دوره هشتم، شماره اول، ۱۳۹۰.
- شفیعی علویجه، قاسم، «شرایط موجد مسئولیت در حقوق انگلیس»، فصلنامه پژوهش حقوق و سیاست، سال سیزدهم، شماره ۳۳، تابستان ۱۳۹۰.
- شهیدی، مهدی، تشکیل قراردادها، جلد اول، تهران، نشر مجد، ۱۳۸۲.

Faculte de droit et des sciences
Economiques.

- Knowles, Roger 200 Contractual
Problems and their Solutions; 3th
edition , Wiley Blackwell pub ,2018 .

Internationale de Droit Compare.
vol.35n'2.Avril-Juin, 1983.

- Furmston , Micheal & Cheshire,
Fifoot: Law of Contract , 17th ed ,
Oxford University Press .2017.

- Monahan, Geoff, & Carr-Gregg,
Susan ,Essential Contract Law ,4th
edition ,London Cavendish
Publishing,2010.

- Normand, Guilbeaute, Les Cahiers de
Droit Civil (L'Obligation De
Rensiegnement Dans Les Contrats de
Vente Internationale de Marchadises),
1997, Paris , p.p 318-334

- Martin, Hevia, Reasonableness and
Responsibility ؛ A Theory of Contract
Law, 1th ed, Springer Pub,2004.

- Donnax,MC, Global as Spend
Market share ;& Advertising, 2 th pub
Stewart ltd, 2012.

- Juglart, Michel, De Traite de droit
commercial , les societe , 2e partie,
Actualites et Informations ,Revue
Internationale de Droit Compare.
vol.35n'2.Avril-Juin 19^{۸۳}

- OVEN BAR-GILL, Disclosure Rules
in Contract Law , HARWARD
UNIVERSITY .Katy Spier comments
for Economics Trade
Journal.no.44.May26.2017.

- Salmon, Pierre, L'originalite de
Juglar , These complementaire
soutenu le 28 mars 1966,version
verbatim avec quelques correction de
forme mars 2011.Universite de Paris,